

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خودت را کشف کن



نویسنده

سید صالح فتوحی

در این کتاب قصد دارم برای شما مخاطبان گرامی درباره ی استعداد صحبت کنم. استعداد

چیست؟ چگونه می توانیم استعداد هایمان را کشف کنیم؟ چگونه می توانیم از استعداد هایمان

استفاده کنیم تا به موفقیت برسیم؟

اینها مهم ترین پرسش هایی هستند که در این کتاب مورد بررسی قرار می گیرند و پاسخ های حائز

اهمیتی برای آنها مطرح می شود که می تواند برای شما سودمند باشد.

استعداد چیست؟

استعداد یک موهبت الهی از طرف پروردگار متعال می باشد. در اصل پروردگار بزرگ یک آفریننده ی بی نقص است. خداوند به انسان ها برای زندگی کردن موهبت ها و نعمت های زیادی عطا کرده است که یکی از مهم ترین آنها استعداد می باشد. در وجود همه ی انسان های کره زمین از کودکان تا بزرگسالان و از زنان تا مردان استعداد هایی نهفته شده است.

استعداد به معنای توانایی انجام دادن کاری می باشد. به عبارتی استعداد های یک فرد نشان دهنده ی توانایی ها اوست.

برای مثال یک کودک در نقاشی کردن توانایی زیادی دارد. او به خوبی از ترکیبات رنگ ها در نقاشی هایش استفاده می کند و نقاشی های زیبای می کشد. بنابراین استعداد او این است که می تواند به خوبی نقاشی بکشد.

یا برای مثال فرد دیگر می تواند متن های زیبا و پرشوری بنویسد. توانایی این فرد در نوشتن می باشد که استعداد او را شکل می دهد. در اصل استعداد این فرد نویسندگی می باشد.

یکی از مهم ترین اصل هایی که می تواند افراد را از یکدیگر متمایز کند، متفاوت بودن استعداد های آنها می باشد. بدون شک هر فردی دارای استعداد های متفاوت از فرد دیگر می باشد.

استعداد های متفاوت افراد در زمینه های مختلف باعث می شود تا آنها نیازمند یکدیگر شوند.

استعداد های متفاوت افراد هنگامی که در کنار یکدیگر قرار بگیرند یک مجموعه ی کامل را می

سازند، مجموعه ای که توانایی انجام کارهای مختلف را دارد

چگونه استعداد های خود را کشف کنیم؟

همان طور که بیان کردم همه ی ما در وجود خود استعداد هایی داریم اما مسئله مهم این است که

چگونه استعداد هایمان را بشناسیم یا چگونه استعداد هایمان را کشف کنیم؟

این پرسش (من می خواهم چه کاره شوم؟) شاید مهمترین پرسشی است که استعداد های افراد را

مخاطب قرار می دهد. همه ما به خصوص در دوران کودکی با این پرسش مهم روبرو می شویم اما

پاسخ هایی که در کودکی به این پرسش می دهیم، بیشتر بر اساس علائق و خیال بافی های ما

هستند و نمی توانند نشان دهنده ی استعداد های ما باشند.

شاید بهترین موقع برای طرح این پرسش از خودمان در دوران نوجوانی باشد. (سن ۱۳ تا ۲۰

سالگی) با ورود به دوران نوجوانی از خیال بافی ها و بی قید و بند هایی دوران کودکی فاصله می

گیریم با ورود به این دوره درک و فهم ما نسبت به مسائل بیشتر و آگاهانه تر می شود.

در این دوره نگاه ما به موقعیت ها، دیگر نگاهی تک بعدی نیست و تمام جوانب را در نظر می

گیریم. در دوران نوجوانی فهم و شعور ما کمی ارتقا پیدا می کند و می توانیم درباره مسائل مهم

اظهار نظر کنیم.

دوران نوجوانی، دورانی است که فرد با بحران های زیادی روبرو می شود که یکی از این بحران ها، استقلال طلبی است. دوران نوجوانی دورانی استقلال طلبی است، دورانی برای مستقل شدن در فکر کردن، تصمیم گیری، برنامه ریزی و انجام دادن کارها.

شاید استقلال طلبی فرد در این حوزه های مختلف زمینه را برای کشف استعداد های نهفته او فراهم کنند

در برخی مواقع موقعیت های بحرانی و حیاتی هستند که استعداد های ما را محک می زنند و باعث شکوفا شدن استعداد های ما می شوند.

مثلا هنگامی که فردی در یک موقعیت سخت تصمیم گیری قرار می گیرد که از یک سو به تصمیمی درست و آینده ساز و از سوی دیگر به تصمیمی غلط منتهی می شود، اکنون این فرد در یک موقعیت حساس قرار گرفته است.

هنگامی که فرد با تفکری صحیح و با سنجیدن تمامی معیار ها، تصمیمی درست را اتخاذ می کند در اصل آن فرد استعداد نهفته ی خود را شکوفا می کند.

استعدادی به نام تصمیم گیری درست یا مدیریت یک موقعیت. موقعیت حساسی که پیش روی این فرد قرار گرفت باعث شد تا او با استعداد خود آشنا شود. استعدادی مهم که در ادامه زندگی می تواند به او کمک کند.

گاهی اوقات شرایط سخت زندگی و فعل و انفعالات ما نسبت به شرایط سخت هستند که استعداد های ما را محک می زنند.

برای مثال به سراغ مایکل فارادی، مخترع و دانشمند انگلیسی می رویم. مایکل در کودکی پدر خود را از دست داد و ناچار بود برای تامین خرج خانواده و خواهران و برادران کوچک خود به جای ادامه تحصیل به کار در یک صحافی مشغول شود. مایکل شرایط سختی که برایش پیش آمده را به خوبی درک می کند و علی رغم علاقه اش به تحصیل، تحصیل را کنار می گذارد و در یک صحافی مشغول به کار می شود. او با تلاش و کار خود هزینه های روزانه زندگی را تامین می کند.

یک صحافی قدیمی و چند کتاب درباره علوم تجربی، مسیر زندگی مایکل را تغییر داد. مایکل با مطالعه کتاب هایی که درباره علوم به خصوص فیزیک بود دیگر به علوم علاقه مند شده بود و نظریات دانشمندان مختلف را می توانست به راحتی بخواند و آنها را درک کند.

مطالعات مایکل، زمینه این را فراهم کرد تا وی خود به یک نظریه پرداز تبدیل شود. هنگامی که تنها ۲۱ سال داشت برای ارائه نظریه خود به انجمن سلطنتی علوم رفت. استعدادی عجیب و تازه کشف شد و مایکل به عنوان دستیار رئیس انجمن سلطنتی علوم انتخاب شد.

اکنون فارادی جوان به دنبال آن بود تا بتواند به بزرگترین مقام علمی انگلیس یعنی رئیس انجمن سلطنتی علوم تبدیل شود.

این هدف باعث شد تا فارادی با تلاش و کوشش فراوان و استعدادی که در درونش نهفته بود، قله های علمی را فتح کند و به ریاست انجمن سلطنتی علوم برسد.

در اصل مایکل فارادی با قرار گرفتن در یک شرایط سخت در دوران کودکی توانست استعداد خود را کشف کند و با کشف استعداد خود به سرعت به موفقیت دست پیدا کند

گاهی اوقات این علائق ما هستند که عامل کشف و شکوفا کردن استعداد های ما هستند. به عبارتی در برخی موارد در درون افراد استعداد های نهفته وجود دارد که خودشان از آنها بی خبر هستند اما علاقه آنها به یک موضوع باعث می شود تا در همان زمینه ای که با آن علاقه دارند، استعداد خود را کشف کنند.

در این مورد مصادیق فراوانی وجود دارد اما از باب مثال ماجرای آیزاک آسیموف نویسنده ی مشهور آمریکایی را برایتان بیان می کنم.

آیزاک آسیموف در اصل تباری روسی دارد و در یک خانواده یهودی متولد شده است.

او خواندن را قبل از مدرسه رفتن یاد گرفت و همین مسئله باعث شد تا آیزاک در سن ۵ سالگی به مغازه پدرش برود و او را در امر فروش یاری کند. آیزاک سال ها به مغازه پدر می رفت و به او

کمک می کرد. در مغازه با چندین مجله علمی و تخیلی آشنا می شود و داستان های زیادی در این موضوع مطالعه می کند.

علاقه آیزاک به داستان های علمی و تخیلی افزایش پیدا می کند تا جایی که تصمیم می گیرد تا خودش یک داستان علمی و تخیلی بنویسد. وی در ۱۲ سالگی اولین داستان علمی و تخیلی خود را می نویسد و در یک مجله پرفروش چاپ می کند. آیزاک در سال های بعدی داستان های بیشتری می نویسد و پول های زیادی را از این کار دریافت می کند.

آیزاک آسیموف در تحصیلات دانشگاهی خود با مدرک دکتری بیوشیمی از دانشگاه بوستون فارغ تحصیل می شود. نبوغ او آنقدر زیاد بود که باعث شد تا او عضو هیئت علمی دانشگاه شود و یکی از کرسی های دانشگاه بوستون را بدست بیاورد.

آیزاک برای مدت کوتاهی در دانشگاه فعالیت می کند و سپس دانشگاه را ترک می کند تا به کار نوشتن ادامه دهد. آیزاک با علاقه زیاد به نوشتن به خصوص نوشتن داستان های علمی و تخیلی به سرعت مسیر پیشرفت را طی می کند و به یکی از بزرگترین نویسندگان جهان تبدیل می شود. علاقه آیزاک آسیموف به داستان های علمی و تخیلی باعث شد تا وی استعداد خود را در نوشتن داستاهای علمی و تخیلی کشف کند و به قله موفقیت برسد.

آیزاک آسیموف می گوید:

اگر پزشکم به من بگوید، بیش از پنج دقیقه زنده نیستم، وقتم را تلف نخواهم کرد، سریعتر تایپ می کنم

در برخی موارد، حس مسئولیت پذیری عاملی است که باعث شکوفا شدن استعداد های ما می شود. در اصل بسیاری از افراد خود را در مقابل دیگران و یک سری از مسائل مسئول می دانند و سعی دارند تا کاری انجام دهند به عبارتی سعی دارند تا با کار خود وضعیتی را تغییر دهند. در این زمینه مثالی بارز برایتان می زنم.

ماریا موته سوری، شاید کمتر اسم این فرد را شنیده باشید اما او یکی از مشهورترین افراد جهان است.

ماریا در یک خانواده مرفه ایتالیایی به دنیا آمد وی در رشته ی پزشکی در یکی از دانشگاه های ایتالیا قبول شد اما در آن زمان این موضوع کمی غیرعادی بود و اکثرا پسرها به دانشکده پزشکی می رفتند. ماریا با رنج و سختی بسیار دانشگاه را تمام می کند و به عنوان اولین دختر پزشک ایتالیا شناخته شد.

ماریا بعد از آن تصمیم می گیرد تا در رشته علوم تربیتی و روانشناسی تحصیل کند. وی در طول تحصیل و در دوران کارآموزی با بچه هایی روبرو می شود که از نظر ذهنی معلولیت دارند.

این بچه ها در محیط تمیز و سالمی در دانشگاه و در درون یک اتاق نگهداری می شدند اما صرفاً نمونه هایی برای تحقیقات دانشمندان بودند. ماریا معتقد بود که این بچه ها همانند بچه های سالم حق تفریح، تحصیل و خوشگذرانی را دارند.

در اصل ماریا نسبت به آنها احساس مسئولیت می کرد و در اقدامی شجاعانه تصمیمی گرفت تا به آنها آموزش های درسی بدهد و آنها را با مهارت های زندگی آشنا کند. ماریا بسیار تردید داشت و نمی دانست که آیا می تواند از عهده ی این کار برآید؟

دوران آموزشی ماریا با بچه ها تمام شد و نوبت آن بود تا در یک امتحان، بچه های معلول در کنار بچه های سالم محک بخورند. نتیجه ی حاصل شده حکایت از این داشت که بچه های معلول نمرات بالاتری نسبت به بچه های سالم کسب کرده بودند، بدین معنا که ماریا مونته سوری موفق شده بود تا به خوبی به آن بچه ها آموزش دهد. از آن پس شیوه ی مخصوص ماریا مونته سوری برای آموزش در تمام جهان گسترش یافت.

احساس مسئولیتی که در ماریا بود باعث شد تا وی استعداد نهفته ی خود را کشف کند. استعداد او توانایی در آموزش بود. ماریا مونته سوری علاوه بر کشف استعداد خود، استعداد میلیون ها کودک معلول و محروم را هم کشف کرد.

پس عواملی که می توانند باعث شکوفا شدن استعداد های نهفته ما شوند عبارتند از؛

پرسش (من می خواهم چه کاره شوم؟)

موقعیت های بحرانی و حیاتی

شرایط های سخت زندگی و عکس العمل ما نسبت به آنها

علاقه های ما

حس مسئولیت پذیری

البته به جز این عوامل، عوامل متعددی در کشف و شکوفا شدن استعداد های ما دخیل می باشند.

چگونه از استعداد های خود استفاده کنیم تا به موفقیت برسیم؟

پس از اینکه توانستیم استعداد های خود را کشف کنیم، نوبت این است تا از استعداد هایمان

استفاده کنیم و آنها را پرورش دهیم.

مهم ترین عامل در پرورش استعداد ها به کارگیری مداوم آنها می باشد. به عبارتی اگر می خواهیم

استعداد های خود را پرورش دهیم بایستی مداوم از آنها استفاده کنیم تا آنها به بخشی از وجودمان

تبدیل شوند.

اگر متوجه شدید که در نویسندگی استعداد دارید، درنگ نکنید. سریع قلم و کاغذ را بردارید و

هرچه به ذهنتان می رسد، چه موضوع های مهم و چه موضوع های غیر مهم را بنویسید.

قرار نیست شما در اولین تجربه نوشتن خود یک متن عالی و زیبا بنویسد بلکه در طول زمان و با تکرار و تمرین در نوشتن، استعداد شما پرورش می یابد و آنگاه می توانید متن های زیبایی بنویسید که مخاطبان با خواندن آنها شما را تحسین کنند. آنقدر بنویسید تا استعدادتان را پرورش دهید و به خودتان ثابت کنید که شما استعداد این کار را دارید.

اگر اکنون متوجه شده اید که در کسب ثروت و مدیریت آن مهارت دارید، معطل نکنید. سریع اقدام کنید از راه هایی که می توانید، درآمد کسب کنید. درآمد هایتان را ذخیره کنید و از آنها در موقعیت هایی استفاده کنید تا از ضرر و زیانتان جلوگیری کند و به سودتان منجر شود.

همان طور که گفتم: استعداد های شما توانایی های شما است به شرطی که با به کارگیری مداوم استعداد هایتان آنها را پرورش دهید و آنها را به توانایی های خود تبدیل کنید

پس وقتی استعداد هایتان را کشف کردید، لازم است تا آنها را باور کنید و سپس آنها را به کار بگیرید تا ارتقا یابند و با استفاده از استعداد هایتان و تلاش و کوشش به موفقیت در زندگی برسید. با به کارگیری استعداد هایتان به جهان ثابت کنید که شما هم می توانید.

نکاتی که در پایان می خواهم برایتان بیان کنم این است که خودتان را باور داشته باشید و با ناامیدی بجنگید. هیچگاه در گوشه ای ننشینید و با خود نگوئید که هیچ استعدادی ندارید یا نمی توانید هیچ کاری انجام دهید.

همواره سعی کنید تا استعداد های خود را کشف کنید و با به کارگیری استعداد هایتان مسیر زندگی خودتان را تغییر دهید. با کشف استعداد هایتان به اطرافیان و جهان ثابت کنید که شما هم می توانید.

این موضوع را بدانید افرادی که در زندگی همیشه روحیه ی یاس و ناامیدی دارند و حتی سعی می کنند شما را از هدفتان دور کنند، همان کسانی هستند که نتوانسته اند استعداد های نهفته ی درون خود را کشف کنند. بی شک اگر این افراد می توانستند استعداد های خود را کشف کنند، اکنون به موفقیت های زیادی رسیده بودند و یکی از مشوق های شما در مسیر رسیدن به هدفتان بودند.

این را بدانید که اگر شما استعداد های زیادی هم داشته باشید، یک شبه نمی توانید به موفقیت برسید بلکه رسیدن به موفقیت علاوه بر استعداد به پشتکار و صبوری نیاز دارد و در طول زمان شما می توانید به موفقیت دست پیدا کنید.